

درباره وحدت ۳

ردت، اختلاف
زد طرح سازمان واحد و تناقضات موجود
در آن
انتقاد بر طرح همکاری - مبارزه ایدئولوژیک
طرح پیشنهادی ما

کنفرانس وحدت را نباید بعنوان یک تشکل سیاسی تلقی نمود چون دارای مواضع مشخص سیاسی ایدئولوژیک نیست.

مادرشماره های قبل، ضمن برخورد انتقادی به دیدگاه های مختلف درباره وحدت جنبش کمونیستی، موعود خود را در مقابل دیدگاه " اختلاف"، " ارضیات ارگانیستیک" و " وحدت" روشن نمود و بدینسان آن در رابطه با دیدگاه " وحدت" طرح سازمان واحد را ارائه دادیم. اینک می - گوئیم در ادامه، مطالب قبلی، ابتدا به بررسی و نقد طرح سازمان واحد پرداخته و سپس با انتقاد از سایر طرح های اختلافی، طرح و برنامه، موردنظر خودمان را درباره پیوسته تحقق وحدت جنبش کمونیستی ارائه دهیم.

دودیدگاه

تاکنون حول مسئله " وحدت جنبش کمونیستی، مواضع و نظرات مختلفی ارائه داده شده است. اگر بخواهیم بسبب جمع بندی از مجموعه " مطالب و نظراتی که تاکنون مطرح شده است برسیم، بنظر ما دو دیدگاه مشخص که کاملا در مقابل همدیگر قرار دارند، مواجه می شویم.

نظرات و طرح های که جنبه های از این دو دیدگاه را دربردارد، ضمن اینکه جهت اصلی آنها متوجه یکی از این دو دیدگاه میباشد، اختلافی بوده و سعی میکنند این دو دیدگاه را با هم آشتی بدهند. این دو دیدگاه بنظر ما، یکی دیدگاه " وحدت" و دیگری " اختلاف" میباشد. ما در نوشته های قبلی خود امروزه دیدگاه " اختلاف و اتحاد سیاسی و اتحاد سیاسی نه تنها جنبش کمونیستی را بوجهت نخواهد رساند، بلکه برعکس آنرا که به تفرقه و گریه کرائی میدان میدهد، جنبش کمونیستی را از وحدت و خواهد نمود. ما همچنین گفتیم که دیدگاه " اختلاف و اتحاد سیاسی، از آنجکه به نبراطیچه یا بدینشود، بلکه آنچه موجود است نظر دارد، و سر تسلیم در مقابل آن فرود می آید. دیدگاه کمونیستی، دنباله روانه سازمان کارخانه است و به نقش عمر آگاه و مبارزه ایدئولوژیک عملا سپا ندهد.

در مقابل دیدگاه فوق، ما روی دیدگاه " وحدت" تکیه کرده و وحدت نیروها را که در تضاد با طبقه بوده و دارای وحدت ایدئولوژیک - سیاسی سازمانی باشند، معیار اولی لازم دانسته و در همین رابطه طرح " سازمان واحد" را ارائه دادیم. طرح " سازمان واحد" از طرف ما بر این پایه شکل گرفته که هیچگونه فرمول دیگری جز وحدت ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی صحیح نبوده و بر همین اساس تکیه اصلی را بر روی مبارزه ایدئولوژیک مبتنا به " مهمترین ابزار تحقق وحدت گذاریم؛ آنجا که ما بعد از متوجه نتایج فکاهی طرح " سازمان واحد" شدیم، در زیر سیم می کنیم بقیه در صفحه ۲

**محمد رضا سعادت،
محمد جواد خاتمی،
شیرمعیل و ناصر حیاتی را
آزاد کنید!**

ما هم به نتیجه ای نرسیدیم و خلاصه در ۱۸ فروردین به حالت اعتراضی که مگر خواستگان، کار، ممکن، بهداشت یک خواست فد انقلابی است؟ " به سمت استان - داری حرکت کردیم و خلاصه برای بار دوم افراد کمیته ما یک مشت فرزندان بازاریها با شعار " کارگر، بزرگ اسلام حامی توست" به ما حمله کردند و همراه با همین شعار رگبار مسلسل سینه کارگران را نشکافت که سه شهادت یک کارگر بنام ناصر توفیقیان و زخمی شدن پنج نفر در صفحه آخر

خطاب و هشدار به تمام توده های آگاه خلق، به تمام خانواده های شهدا، به تمام نیروهای دمکرات و انقلابی و به تمام نیروهای مارکسیست - لنینیست!

درباره دستگیری تقی شهرام

و هدفیایی که میوه چینان انقلاب در این رابطه دنبال می کنند
تقی شهرام که بود؟ چرا از بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق ایران اخراج شد؟ ...
و امروز چه کسانی صلاحیت و حق قضاوت در مورد او را دارند؟



عفو جنایتکاران و خیانت پیشه گان نیروهای مسلح ضربه به منافع خلقهاست

... بشناسند و از آنها نکابت کشند؟ در حالیکه بیرونده های این خیانت بینگان و جنایتکاران درگاه و صندوقهای دولت و هندستان وی است، در حالیکه در همین چند ماه اخیر تلاش شده که نه فقط خلق بلکه جوانان مسلح و انقلابی که در کمیته های مختلف فعالیت میکنند، برهنگان با این بیرونده ها آگاهی نیابند.

با اعلام رسمی این عفو، نظامیان و افراد جنايتكار و خیانتكار نیروهای انقلابی می به مراد خود می رسند. در عین این عناصر انقلابی و آگاه در ارتش هستند که تحت فشار هر چه بیشتری قرار خواهند گرفت. پس از این معنای عدم طاعت از یک امیر و مافوق خیانتکار که به پادگان برگشته است و مخالفت با وی، بمعنای مخالفت با دستور رهبری خلقی می شود، و این انقلابیون ارتش هستند که باید بجای از سر سرند اخراج شوند و یا در دادگاه های شبه صحرایی محاکمه گردند و برای دفاع از خود در این دادگاه ها تنها چند روز (پس از دستگیری) فرصت دارند، همانطور که برای نکابت از نظامیان و پلیسهای جنايتكار چند روز وقت گذاشته اند.

با این تفاهوت که اولی برای مجازات است و دومی برای عفو!

بدینال ملاقات دولت با آیت الله خمینی، یک سری از هدف های دولت موقت که قبلا تا حدی با مخالفت امام مواجه بود، صورت تحقق بخود گرفت. یکی از این هدفها که دولت با زرگان همیشه برای رسیدن به آن تلاش کرده است عفو عمومی برای نظامیان و نیروهای انتظامی (پلیس و...) است. چند روز پیش اعلام شد که نکابت با برعلیه نظامیان و افراد نیروهای انتظامی تنها تا روز ۱۹ تیر (نیمه شعبان) قابل بررسی است و پس از آن هرگونه نکابتی در این مورد پذیرفته نخواهد شد!

با این عمل سرمایه داری حاکم که از همان روز اول در پی خاب کردن خون دهها هزار شهید بود، بمورثی اشکار چهره خود را نشان داد. و این جدای از همان بازسازی ارتش و پلیس با همان نتایج گذشته و بازسازی مایه واک نیست. در واقع برای او که نمیخواهد خمیری در ساختن این ارگانهای مسلح ایجاد کند، و در پی سرکوب و محاکمان و خلقهاست چه بسیاری از نظامیان و افراد پلیس غائب و جنايتكار چه نظامیان و افراد پلیس مطیع و فرمانبردار، هر دو کلاز مند، و شاد و دلها بیشتر...

اگر اندکی دقت شود، حتی از نظر طوفانی، در عرض چند روز چگونه خانواده های دهها هزار شهید خواهند توانست محرمین و جنايتكاران را در ارتش و در بین افراد پلیس

یکبار دیگر مبارزات کارگران بیکار اصفهان سرکوب گردید!

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که با سرکوبی بیرونی رسید، وجود وعده های فراوانی میدادیم که انقلاب پیروز شده و دیگر آزاد هستیم، انقلاب کشته پیروز شده و ما با ساعت های کار کمتر و وضعیت زندگی بهتر روبرو خواهیم بود. انقلاب که پیروز شد خانه دار می شود، عیب ندارد فرزند را با ما می فروشم و اعتصاب را ادامه میدهم. بچه های ما نرا به خیابان می فرستیم که مسلسل ها سینه شان را سوراخ کند تا انقلاب پیروز گردد. انقلاب پیروز شد اما کسی به درد و حال ما نرسید، یکماه طول کشید، دوماه و سه ماه گذشت خبری نشد. به این نتیجه رسیدیم که مسلسل اینکه بازم با سختی خودمان دست بکار شویم. گفتیم الحمدلله دیگر رژیم طاقت نیست و دیگر زندان سیاسی، شکنجه، تیراندازی، تبعیت، ستم و استثمار... نیست. در محلی که بنام خانه کارگر اصفهان است جمع شدیم تا باینده انتخاب کردیم که به این مقامات مسئول رفتند و آنها جوانی به درد ما ندادند و بالاخره روز ۶ فروردین ما کارگران بیکار اصفهان بطرف اداره کار رفتیم. در حین راهیمانی و جلوی در اداره کار چیزهایی که انتظارتان نداشتیم از قبیل کتک و تبعیت و فحاشی در هم ریختن مفا کارگران دیدیم. به نتیجه ای نرسیدیم و باز دوباره در خانه کارگر جمع شدیم و سه جمع آوری بیرونده ادا به دادیم و پیش خود فکر کردیم که چرا به ما می گویند " فد انقلابی" " صبر کن" و غیره. بالاخره دوباره با کوشش فراوانی که ما کارگران و نمایندگان ما کردند از طریق رفتن به اداره کار، استان داری، منزل طاهری رئیس کمیته های اصفهان،

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که با سرکوبی بیرونی رسید، وجود وعده های فراوانی میدادیم که انقلاب پیروز شده و دیگر آزاد هستیم، انقلاب کشته پیروز شده و ما با ساعت های کار کمتر و وضعیت زندگی بهتر روبرو خواهیم بود. انقلاب که پیروز شد خانه دار می شود، عیب ندارد فرزند را با ما می فروشم و اعتصاب را ادامه میدهم. بچه های ما نرا به خیابان می فرستیم که مسلسل ها سینه شان را سوراخ کند تا انقلاب پیروز گردد. انقلاب پیروز شد اما کسی به درد و حال ما نرسید، یکماه طول کشید، دوماه و سه ماه گذشت خبری نشد. به این نتیجه رسیدیم که مسلسل اینکه بازم با سختی خودمان دست بکار شویم. گفتیم الحمدلله دیگر رژیم طاقت نیست و دیگر زندان سیاسی، شکنجه، تیراندازی، تبعیت، ستم و استثمار... نیست. در محلی که بنام خانه کارگر اصفهان است جمع شدیم تا باینده انتخاب کردیم که به این مقامات مسئول رفتند و آنها جوانی به درد ما ندادند و بالاخره روز ۶ فروردین ما کارگران بیکار اصفهان بطرف اداره کار رفتیم. در حین راهیمانی و جلوی در اداره کار چیزهایی که انتظارتان نداشتیم از قبیل کتک و تبعیت و فحاشی در هم ریختن مفا کارگران دیدیم. به نتیجه ای نرسیدیم و باز دوباره در خانه کارگر جمع شدیم و سه جمع آوری بیرونده ادا به دادیم و پیش خود فکر کردیم که چرا به ما می گویند " فد انقلابی" " صبر کن" و غیره. بالاخره دوباره با کوشش فراوانی که ما کارگران و نمایندگان ما کردند از طریق رفتن به اداره کار، استان داری، منزل طاهری رئیس کمیته های اصفهان،

پیشی بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

ادامه از صفحه اول

فمن روشن کردن دیدگاه همان از چگونگی تحقق وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب و نقش عوامل مختلف در آن، اتفاق و تناقض موجود در طرح سازمان واحد را هم بیان کنیم. در این رابطه ما به نقش مبارزه ایدئولوژیک، تئوری انقلابی، پیوند ویرانگ انقلابی، در تحقق وحدت جنبش کمونیستی و حزب اشاره میکنیم و برای شروع بحث از حزب کمونیست حرکت میکنیم. حزب معمول تلفیق آگاهی سوسیالیستی با جنبش خودبهدی طبقه کارگر است. اگر حزب را همان نسیم تشکیلی و وحدت جنبش کمونیستی بشمار آوریم، معنی تعریف فوق این میشود که وحدت جنبش کمونیستی بطور کلی معمول تلفیق آگاهی سوسیالیستی با جنبش طبقه کارگر است. به این معنی که وحدت جنبش کمونیستی از طریق بریدن تئوری، سیاست و سازمانی بیرون بدرون جنبش طبقه و بسج و شکل سازمانی حداقل، بخشی از طبقه، (قشر پیشروان) حول این تئوری حاصل میشود. و باز بصورت دقیقتر معنی نسوق این میشود که نیروهای جنبش کمونیستی (کل جنبش کمونیستی) که در وجود سازمانها، گروهها، محافل و عناصر را کارگران پیشرو کمونیست تشکیلور پیدا میکند، حول برنامه و سیاست پرولتری - که الزما باید از طریق مبارزه ایدئولوژیک و در جریان ویرانگ انقلابی و "پیوند" (م) با طبقه کارگر، استحکام یابد و حفظ جنبش را نشان دهد - به وحدت میرسد...

به این ترتیب در این پروسه، مفاهیم "پیوند"، مبارزه ایدئولوژیک و تئوری انقلابی، هر یک جایگاه و نقش خویش را روشن میکنند. در این تعریف روشنی میشود که تحقق وحدت جنبش کمونیستی مجرد از برنامه و سیاست و منی پرولتری حرفی معنایی است. روشن میشود که تئوری انقلابی و برنامه و سیاست پرولتری فقط در جریان مبارزه طبقاتی، برانگیختن انقلابی در میان طبقه و بسج حداقل بخشی از طبقه، استحکام مییابد، محک مسخورد و میتواند نیروهای اهل جنبش کمونیستی را در خود متحد نماید.

همچنین روشن میشود که تئوریهای انحرافی، سیاست و منی غیر پرولتری، زمانیکه هنوز پیوند برقرار نشده، زمانیکه هنوز مبارزه ایدئولوژیک بر زمین برانگیختن انقلابی در میان طبقه، صورت نگرفته، همواره و بیش از هر زمان دیگر در درون جنبش کمونیستی امکان تسلط داشته و میتواند بخشی از نیروهای جنبش کمونیستی را منحرف نماید.

زمانی میگوئیم وحدت جنبش کمونیستی تحقق پیدا نموده است که جریانهای سالم و واقعا کمونیستی موجود در تشکلات کمونیستی و کلیه نیروهای اصیل کمونیستی، به گرد یک تئوری انقلابی (برنامه، سیاست و منشی پرولتری) به وحدت رسیده باشند، و این وحدت زمانی تحقق مییابد که تئوری انقلابی در جریان ویرانگ پیوند با طبقه و بسج از گذر از مبارزه ایدئولوژیک و حقایق خویش را نشان داده و بلایزاسیون نیروها را نه بر مبنای طبقاتی - معرفتی (هم جنبه های طبقاتی وهم جنبه های معرفتی) و یا بسفا طبقاتی، بلکه عموما جنبه طبقاتی صورت داده باشد.

اما اینکه در این پروسه برای تحقق وحدت عمل چه باید کرد و چه نباید کرد، خود این دیدگاه پاسخ میدهد. هر قدری که در جهت ارائه تئوری انقلابی باشد، باید برداشت و هر قدری که به نحوی بخواهد آنرا تحت الشعاع قرار دهد و به خرده کاری وادارد، نباید برداشت. هر کار "متحدنهای" که عملا در مقابل مبارزه ایدئولوژیک قرار گیرد، نباید کرد و هر قدری که در جهت و برای آنت، باید برداشت. از همین دیدگاه است که طرح اختلاف به عنوان برنامه وحدت جنبش کمونیستی از آنجا که دقیقاً در مقابل مبارزه ایدئولوژیک قرار میگیرد و عمیقاً دنباله روانه و سازشکارانه است رد میشود. از همین دیدگاه است که مبارزه ایدئولوژیک به مثابه تنها و مهمترین ابزار تحقیق وحدت جنبش کمونیستی بر مبنای کار فعال در درون طبقه و نوده های برای دستیابی و تدوین همه جانبه و تحکیم تئوری انقلابی مورد تاکید قرار میگیرد. از همین دیدگاه است که وحدت از چند گروه را بشرط وحدت

(م) هر جا در این نوشته واژه "پیوند" می آید، منظور همان ارتباط ارگانیک است که با معنی ارتباط با طبقه که هنوز به مرحله "پیوند" نرسیده است، اختلاف دارد.

سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلی، نه تنها نباید موقوف به پیوند نمود، بلکه برعکس باید آنرا به عنوان اقدام اصولی و لازمی که در خدمت پیوند قرار گرفته، محصول مقطعی از مبارزه ایدئولوژیک، در پروسه تحقق وحدت جنبش کمونیستی دانست. (م) و بالاخره از این دیدگاه هر نوع "همکاری" که نیروهای (م.ل) را در بوشش مبارزه با خرده کاری به خرده کاری وادارد و بدتر از آن بر تشادها سرپوش گذاشته و به نوعی سبب قضا و تحکیم هویت مستقل گروهها شود، مردود است و برعکس هر نوع همکاری که در جهت سازمان دادن مبارزه ایدئولوژیک باشد اصولی و لازم است. هم اکنون قبل از اینکه انتقادمان را نسبت به طرح "همکاری - مبارزه ایدئولوژیک" که برای وحدت جنبش کمونیستی ابزار میشود بیان کنیم، انتقادی که بر "سازمان واحد" داریم مطرح میکنیم.

ما گفتیم که طرح سازمان واحد از طرف ما بر پایه نعی تئوری، اختلاف و اتحادیه... شکل گرفت و براین بنظارت داشت که هیچگونه فرمول دیگری جز وحدت ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی درست نبوده و بر همین اساس تکیه اصلی را بر روی مبارزه ایدئولوژیک، به مثابه مهمترین مورد تحقق وحدت گذاشتیم. ما علیرغم این دیدگاه لاجری ارائه دادیم که دارای تناقض مشخصی است. این تناقض عبارت از اینست که ما در حالیکه در چشم انداز وحدت نیروهای (م.ل) با توجه به گرایشات مختلف در سطح جنبش کمونیستی از چند طبقه میدیدیم، نام این مراکز را سازمان واحد نهاده و آن را به عنوان طرح و برنامه خود برای رسیدن به وحدت جنبش کمونیستی مورد توجه قرار دادیم. معنی در حالی که می پذیرفتیم در جریان مبارزه ایدئولوژیک و در ارتباط با طبقه کارگر، در سطح جنبش کمونیستی از این چند طبقه میتوانست به وجود آید و هر کدام از این طبقه ها همچنان در درون جنبش کمونیستی قرار دارند، "سازمان واحد" را که دیگر واحد بودنش معنی میدهد، هدف قرار میدادیم. تناقض دیگر در این بود که در عین حال این سازمان واحد در صورت تحقق پیوند می توانست مفهوم حزب را بخود بگیرد، یعنی اینکه عملا در اینجا سازمان واحدی که پیوند برقرار کرده است با سازمان واحدی که پیوند برقرار کرده است (حزب) هر دو با هدف گیری سازمان واحد دنبال میشود و سبب خدشه دار کردن معنی و مفهوم حزب میگردد. از دو حال خارج نمیشود که یا این سازمان واحد "حزب" است یا جنبش کمونیستی بوده و در این صورت الزما دارای ارتباط

مبارزه ایدئولوژیک مهمترین ابزار تحقق وحدت جنبش کمونیستی بر مبنای کار فعال در درون طبقه و توده هاست.

ارگانیک با طبقه کارگر خواهد بود. که این همان حزب است و با این سازمان واحد میانگر وحدت جنبش کمونیستی نبوده و نتوانست است با طبقه کارگر پیوند (مفهوم حزب) حاصل نماید، و با تکیه این پیوند با سایر طبقه های موجود در سطح جنبش کمونیستی میرسد تا سطح بنماید، که در این صورت دیگر نمیتوان بر آن نام سازمان واحد اطلاق کرد. در چنین حالتی این سازمان که حزب کمونیست بلکه سازمانی متشکل تر و گسترده تر از تمامی سازمانهای کنونی (م.ل) میتواند باشد.

(م) در اینجا نکته ای را توضیح دهیم. دو استنباط از "پیوند" میتواند وجود داشته باشد. یک استنباط بر این اساس حرکت میکند که چون تحقق وحدت جنبش کمونیستی، سرانجام در جریان پیوند حاصل میگردد، بنابراین نباید نیروها وحدت کنند و باید ابتدای زمینه های مبنای این وحدت را فراهم آورند. این استنباط به نظر ما نادرست است. گوشش برای وحدت نیرو - های (م.ل) ای که دارای وحدت سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلی باشد، موقوف به هیچ پیش شرطی نمیشود. امر "وحدت" نیروها با امر "پیوند" به هیچ وجه مقابل هم قرار نمیگیرد و به عنوان دو وظیفه در طول مسیر نمیشوند. بلکه دو وظیفه همگام و هم عرضند که سر تحقق و تسریع همدیگر تاثیر می گذارند. آن نسخه ای که در انتهای پروسه حاصل میشود - تحقق وحدت کمونیستی که الزما در جریان "پیوند" حاصل شده است - به هیچ وجه مجرد از تمام گوشش های وحدت آمیز و تاثیر متقابل "وحدت" و "ارتباط" های حاصل شده در هر مقطع از پروسه وحدت جنبش کمونیستی نیست و بر عکس، چنین گوششهایی که همگام به امر "وحدت" و هم به امر "پیوند" کمک میکند و آنرا تحقق می بخشد.

یعنی یک هدف مشخص، تحت عنوان سازمان واحد و دادن هویت مشخصی به آن در یک مقطع از این پروسه (پروسه وحدت جنبش کمونیستی) صرف نظر از آنکه دیگر مفهوم سازمان واحد را نمیتواند بخود بگیرد. این اشکال را نیز به وجود می آورد که مشخصات و مختصات آن نسبت به حزب کمونیست که همان سازمان واحد جنبش کمونیستی باشد تا روشن باقی میماند. به این ترتیب مادر عین حال که همچنان وحدت از چند گروه را موقوف به ارتباط ارگانیک با طبقه و با موقوف به داشتن پایه کارگری نمیدانیم و وحدت آنها را بشرط وحدت ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلی اصولی و لازم میدانیم و در روند تحقق وحدت جنبش کمونیستی بر روی

در پاره

این وحدت، ما به عنوان محصول مقطعی مبارزه ایدئولوژیک تکیه میکنیم، ولی مشخص کردن هدفی تحت عنوان "سازمان واحد" را در مقطعی از این پروسه از آنجهت که مفهوم حزب "سازمان واحد" جنبش کمونیستی (را) داشته دار نموده و این تصور نادرست را به وجود می آورد که گویا اساسا جز با تکیه بر ارتباط با سیاسی - تشکیلی در ممان طبقه کارگر و گذاشتن تئوریها و برنامه های سیاسی، بسوتن آزمایش و مبارزه طبقاتی، کل نیروهای (م.ل) و کل جنبش کمونیستی نمیتوانند حول سازمان واحدی به وحدت برسند، نادرست میدانیم. به این ترتیب ما در عین حال که طرح "سازمان واحد" را بدلیل بالا داریم و اکنون نادرست میدانیم، اما آن انتقاداتی که از درجه قبول اختلاف و با اتحادیه و با "ارتباط ارگانیک" در این طرح میشود، در عین حال که جنبه های مشخصی درستی در این انتقادات نهفته است و اشکالات و تناقضات سازمان واحد را نشان میدهد و ما هم از آن تاخیر پذیرفتیم، لیکن هسته این انتقادات را از آنجا که از دیدگاه اختلاف به دیدگاه (وحدت - مبارزه) اسرا ز میشود نادرست میدانیم.

اما مثلا این تناقض در طرح سازمان واحد از طرف ما در چه بود، تا گفتن اولیه ما نسبت به سازمان واحد بر این نظارت داشت که در ضمن کوشش و مبارزه با خاطر وحدت، اختلافات روشن شده، انحرافات در جریان مبارزه ایدئولوژیک نیز باید برطرف شود و گروهها و سازمانها و محافل (م.ل) حول برنامه و سیاست پرولتری که در جریان همین مبارزه ایدئولوژیک حاصل خواهد شد، به وحدت خواهند رسید.

این تکرار اولیه علیرغم شایسته است، آنجا که عملا "طرح" نه وحدت کل جنبش کمونیستی بلکه بخشی از آنرا هدف قرار میدهد و با تلویحا بخشی از آنرا در بوشش تمام جنبش کمونیستی مطرح می نماید و دارای این استنباط است که این سازمان واحد، مظهر کلید و یا نقطه وحدت جنبش کمونیستی است، جنبه کارمندی به طرح میداد، بعدا نیز در طرح ارائه شده در پیکار، اگرچه ما از چند قطب را مطرح نمودیم و گفتیم که "حتی المقدور در مجموعا نیستوه" هاش از جنبش کمونیستی" (و نه تمام نیروهای جنبش کمونیستی)، ولی بازم به دلیل اینکه بهر حال مفاهیم "محوری" و "کلیدی" و یا نقطه را در برداشت نقش اطلاق واژه "سازمان واحد" رگه کارمندی خویش را همچنان حفظ کرد و اینکه این طرح، کنفرانس را هم بعد از مبارزه ایدئولوژیک حول اساسی ترین موارد بود - لویژیک و استراتژی و خط منی کمونیستها در قبسال جنبش کارگری دموکراتیک، خاتمه یافته تلقی نمیشود. در همین رابطه قابل توضیح است طرح عملی که نسبت به کنفرانس اولیه "مقولعه چند قطب را مطرح کرد و سازمان واحد را دچار تناقض نمود، منتظا باید دیگر قالب "سازمان واحد" را می شکست و هدف را همان حزب کم سازمان واحد جنبش کمونیستی باشد قرار میداد.

انتقاد بطرح همکاری مبارزه ایدئولوژیک

در اینجا به نقطه نظری برخورد میکنیم که علیرغم آنکه ظاهرا اختلاف را در میگردانی و در برنامه و طرح خود برای رسیدن به وحدت یک سری همکاریها و اتحادیه ای را برپا می کند که میخواهد با سخن ساز - های جنبش کارگری و مبارزات فدا آمیز کمونیستی توده های مردم و هدفش "رسیدن به شناخت و مرز بندیها در زمینه سبک کار و تشکلات" (کمیته نبود) و با غلبه بر شغلهای جنبش کمونیستی میباشد در دستور قرار میدهد و در واقع تحقق وحدت جنبش کمونیستی را "الزما" از طریق این سری همکاریها داشته و موقوف به آن میکند. ما انتقادات مربوط

به طرح اختلاف را قیلا در نوشته‌های خود آوردیم هم - اکنون طرح اختلافی از یک دوره مبارزه ایدئولوژیک بصورت آشکار افشا شده است و گویا کمتر کسی طرفدار آشکار آن باشد اینست که مادر اینجا به پیروسی " همکاری - مبارزه ایدئولوژیک " که جلوه نهان همان آئین اختلاف است میگردانیم . بنظر ما این طرح چه در پوشش رسیدن به شناخت ها و مرزبندیها در زمینه های سنگ کار و تشکلات عرضه شود و چه بخاطر غلبه برمنافعها عقب مانده گیهای جنبش کمونیستی در زمینه شورویک و ارتباط با طبقه مطرح شود در نهایت بازم همان دید - گاه اختلاف را دنبال نمیکند که بصورت انتقاطی درپوشش های مختلف زینت داده شده است . باید پرسید چرا اختلاف

وحدت

یک طرح انحرافی برای رسیدن به وحدت است برای اینکه بجای مبارزه با انحرافات آنها سازش مینماید . برای اینکه بجای گوش برای شنیدن وضع موجود درمقابل آن سیری اندازد ، برای اینکه فرقه گرای و گروه - گرای را در مان میزند و توجیه تشکلاتی برای آن فراهم میکند ، برای اینکه نیروها را به خرده کاری انداخته و از توجه بسط املی که همان ایجاد حزب باشد منحرف میکند .

برای اینکه با تحمیل فرم بر مضمون نامعلوم دچار فرمالیسم میشود ، برای اینکه با تا مین حداقل وحدت مواضع سیاسی - ایدئولوژیک او در واقع بدون روشن شدن مواضع سیاسی - ایدئولوژیک نیروها و مرزهای افشای و اشتراک آنها برنامهای را برپایه ای نامعلوم میریزد که حتی و ضرورتا در جریان عمل فروریزد و برای اینکه ...

بسیار خوب هم اکنون ما میبایست این همکاریها که باید با برنامه و نقشه مند صورت گیرد و بنظر مدافعیان این نظر لازمی ضرورت پیشبرد امر وحدت نیز هست ، بر کدام پایه مشترک ایدئولوژیک - سیاسی صورت می - گیرد و این پایه های مشترک در چه "پروژه ای از مبارزه ایدئولوژیک حامل شده است ؟ چگونه میتوان با چشمان بسته برنامه همکاریها و همی را ریتخت کند در درون آن اجبارا مرزهای اختلاف را مخدوش ننموده ان سازشکاری بوجود در طرح اختلاف را بیار نیارود . مسئله اینست که سازشکاری ، ایها و پیرشانی در بین چنین فرمولهایی پس بوده و ذاتی است . آیا زمانیکه حول برنامه و سیاست مشخص مبارزه ایدئولوژیک صورت نگرفته تا مشخص شود اساسا نقاط افشای چیست و نقاط اشتراک کدام است ، چگونه میتوان همکاریها را بر اساس مواضع مشترک (؟) که بدوا فقط یک تصور موری و مبهم میتواند از آن باشد بی ریزی کرد ؟ آیا این همان فرمالیسم و تحمیل فرم بر مضمون میسر است ؟ تا مشخص نیست که نه تنها کمکی پس پیشبردگار ما نمیکند بلکه گروهها را از همان فعالیت هاشی که متغلا هم میتوانند بکنند زداشته و فعالیت آنان را دچار اختلال و پیرشانی می کند . آیا اینست همکاریها که باید با برنامه صورت گیرد عملا مبارزه ایدئولوژیک را تحت اشباع قرار نداده و اذهان را نسبت به ماهیت اختلافات متعوب نمی کنند ؟ آیا عملا این همکاریها و در واقع خرده کاری نیروی فرآوانسی را که باید در درجه اول در خدمت روشن نمودن برنامه و سیاست پرولتری و مبارزه ایدئولوژیک ، قرار گیرد بخود مشغول نمی کند آیا این همکاریها ای اتحادیه ای همچنان به شکل های مختلف جنبش کمونیستی رسمیت نداده و بنوعی آنها را تشبیت نمی کند ؟ مابین ترتیب تمام آن انحرافات که به طرح اختلاف وارد بود ، در این طرح هم وجود دارد و اختلاف این در طرح یعنی طرح اختلاف که بشکل رسمی گفته میشود " طرح همکاری ، مبارزه - ایدئولوژیک " فقط یک اختلاف کمی و لفظی میتواند باشد (۹)

از نظری که همکاری را برپای غلبه برمنفعاتی جنبش در زمینه "تشتت و فقر شورویک سیاسی و ضعف ارتباط با طبقه کارگر لازم میسازد و پیروسی "تحقق وحدت جنبش کمونیستی را الزاما از طریق چهارچوب یک همکاری و اتحادیسی می بیند ، باید پرسید این همکاریها برچه پایه سیاسی - ایدئولوژیک باید صورت گیرد ؟ مگر فرض براین نیست که هنوز مبارزه ایدئولوژیک برسرالی ترین مواضع صورت نگرفته است و مرزها هنوز دقیقا روشن نگشته است - کینا - براین چگونه و بریمتای چه معیارهایی این فعالیتها میتواند "هماهنگ گردد ؟ چگونه میتوان این فعالیتها را هماهنگ و هم گام نمود درحالیکه مرزها را مخدوش ننماید ؟ در عین اینکه دانسته "فعالیت گروهها را کاهش ندهد ؟ در عین اینکه اختلال ونا همگونی در فعالیت خارجی گروهها بوجود نیارود ؟ آیا فوایط کنفرانس میخواهد پایه - این "اتحاد" قرار گیرد ؟ باید گفت صرفنظر از آنکه این فوایط بر هیچ پیروسی از مبارزه ایدئولوژیک حامل نشده است و بدوا درک موری وحدت گروهها را نسبت بهم نمیتواند نشان دهد ، آنچه میماند مشخصا این فوایط کلی را نشان خواهد داد - بنظر گاه های گروهها دربرنامه ، سیاست و منی آنان در فعالیت جنبش کارگری و دیگران ، درآرا و شعارها یا تاکتیسی ... و چگونه برخورد گروهها نسبت مواضع گذشته - خویش خواهد بود و قبل از آن منطما این فوایط جنبه "کلی دارد ، که نمیتواند مبانی وحدت و یا اختلاف ایدئولوژیک سیاسی این گروهها را که میخواهد این "اتحاد" برآن شکل گیرد نشان دهد . ما فکر میکنیم دا "اتحاد" همکاریها مشترک اگر بخواد از چهارچوبی که در درجه اول در جهت سازمان دادن مبارزه ایدئولوژیک و سپس برخی همکاریها و مشخص موضعی باشد ، فراتر برود ، از آنجا که این همکاریها برپایه محکم مواضع سیاسی - ایدئولوژیک مشترک بنا نشده است ، نه تنها نمیتواند به ضعف مربوطه و ارتباط با طبقه کمک نماید ، بلکه حتی جان فعالیت هاشی را که گروهها مستقل قبل از حصول به وحدت میتوانستند در این جهت بشمایند ، دچار اختلال و پیرشانی می کند .

مسئله اساسی این است که کنفرانس را نباید بعنوان یک شکل سیاسی تلقی نمود اگر قبول است که کنفرانسی ابتدا ، دارای مواضع ایدئولوژیک - سیاسی مشخص نیست (منظور دیدگاههای آن نیست) ، نمیتواند هما تشبیت اتحادیه و جبهه دارای رهبری و مرکز تصمیم گیری شود . هويت سیاسی مشخص بخود نگردد ، بنا براین چگونه میتواند یک همکاری اتحادیه ای را پیش برود با دهها تناقض در عمل بواجه شود اگر چهارچوب همکاریها مشخصات فاسق را نداشته باشد که دیگر اطلاق جنبه "اساسی و فروری برای

دیدگاه اختلاف و اتحاد سیاسی نه تنها جنبش کمونیستی را بوحدهت نمیرساند بلکه به تفرقه و گروه گرای میدان میدهد .

وحدت نداشته و آنرا باید در کار در همان همکاریهای موضعی (هر چند در زمینه های مختلف جنبش باید) دید .

و اما کمیتش نبرد ، مسئله دومی را در طرح مسئله ایجاد حزب به شرح زیر مطرح میکند : "... شناخت ، بررسی و تعیین فوایط پرولتری است که تنها در پیروسی کار و فعالیت مشترک سیاسی یا سوسیالیستی به نیارهای جنبش کارگری و مبارزات - خود امپریالیستی توده های مردم بدست می آید و در عرصه مبارزاتی است که مزیجی با اپورتونیسم در شکل کار و شیوه پرورش کمونیستی کارگران ممکن خواهد گشت " . در اینجا میبینیم که این همکاریها با هدف روشن کردن مرزهای مبارزه ایدئولوژیک در سبک کار و مواضع تشکلاتی جنبه فریبنده ای بخودش میگرد . اولاً باید پرسید چه دلیل شناخت متقابل گروهها الزاما از طریق همکاریهای مشترک - که اجبارا به تکلی که مطرح میشود همان آئین اختلاف را دنبال میکند - تا مین میشود و تنها از طریق این همکاری مشترک است که مرزهای آنها در سبک کار و مواضع تشکلاتی روشن خواهد شد ؟ به چه دلیل بخاطر شناخت متقابل و روشن کردن مرزها ، جنبش کمونیستی را در گمراهی طرحی نامشخص که همکاری را جزا لاینحوا و اجتنابنا پذیر وحدت تلقی می نماید .

بگراها و شیوه های گوناگون و مختلفی وجود ندارد که هر - ها از هدیه دیگر شناخت بدست آورند و مرزهای خود را روشن کنند ؟ ما سوال میکنیم مگر روشن شدن اختلاف شما مثلا با رفقای فدایی و یا حتی روشن شدن اختلاف شما با عضو دیگر همین کنفرانس بر سر دیدگاههای وحدت و ... مستلزم یک دوره همکاری نبوده است ؟ مگر برانسیک گذشته و مواضع ایدئولوژیک سیاسی - سازمانی هر گروه چگونه بخود آنها را نسبت به مواضع و انتقادات گذشته - او سیر بخورد های این گروه در جریان مبارزه ایدئولوژیک

جنبش کمونیستی و انقلابی و زمینه های دیگر نظیر - برخورد با لغت و موجودیت و هويت گروه برخورد با نظرات و مواضع تشکلاتی و احیانا برخورد با اشعاعات احتمالی از گروه و ... وجود ندارد ؟ که لازم باشد حتی بگذرد همکاری بخاطر شناخت و مرزها تدارک دیده شود ؟ به چه دلیل شما برانسیک گذشته و برانسیک حال گروهها و سازمانها را ملاک قرار نمیدهد و الزاما برانسیک مشترک را لازمه تحقق وحدت میسازید . بخصوص با هدفی که شما برای آن در نظر گرفته اید ، یعنی مرزبندی در شکل کار ، آنقدر باید فعالیت گروهها در فضای بر ایها - از نظر روشنی پایه های اتحادیسی - لویزیک - سیاسی این همکاری در هم آمیزد و مختلط شود که در این صورت صرفنظر از تمام اشکالات که قبلا ذکر شده مجموعه فعالیتها را دچار سردرگمی ، افشاش و ابهام خواهد نمود . ما فکر میکنیم در این بین نظر یک درک نداشتن از مبارزه ایدئولوژیک نمیتواند ، این درک از مبارزه ایدئولوژیک ، مبارزه ایدئولوژیک و این حول برانسیک انقلابی گروه با سازمان و وظایف و برنامه های که آن در میان طبقه کارگر توده های ما را میکنند ، در نظر نمیگرد و مبارزه ایدئولوژیک را در مسائل طبقه و جدا از گوش برای حل این مسائل فرض میکند . در همین رابطه هم احیانا به مبارزه ایدئولوژیک به چشم یک پلیسیک روشنگرانه نگاه میکنند ، اگر بنا باشد پشتوانه مبارزه ایدئولوژیک برانسیک فعال گروه در میان طبقه و برنامه و شمارا تشبیت این رابطه مطرح میشود ، نباشد آری ما هم جنبش مبارزه ایدئولوژیک را حرفی روشنگرانه میدانیم و در این صورت هم گروه کار را نباید از نبود برانسیک مشترک گرفت و بر این معنا مبارزه ایدئولوژیک نمود . و بالاخره مگر در تجربه خود این کنفرانس تا مین عامل همکاری اتحادیه ای در تعیین همین مرزها که تاکنون حاصل شده است ، نقشی داشته است ؟ آیا اگر این کنفرانس وارد در بنه های مختلف بنیال سیاسی و ایدئولوژیک و در جهت دستیابی به شورای انقلابی نبوده ، تا مین بنظر شما طی این دوره ، گروهها از هدیه دیگر ناشناس خواهند ماند و نخواهند شناخت مرزهای ایدئولوژیک سیاسی - سازمانی خودشان را روشن کنند تجربی ، چهار ماهه این کنفرانس علیرغم اینکه فقط تاکنون مبارزه ایدئولوژیک بر سر دیدگاه های وحدت بوده است ، خلاف آنرا ثابت میکند ، بنا براین طرح یک پیروسی همکاریها را شناخت متقابل گروهها و روشن کردن مرزها که در بطن خود انحراف ، خط املی کار ، دنباله روی ، سازشکاری ، خرده کاری ، پیرشانی و اختلال در فعالیت های گروهها ، به دلیل ناروشنی پایه های سیاسی ایدئولوژیک که این همکاری بسیار می آورد ، طریخی است که همان گرایش اختلاف را دنبال میکند و انحرافی است .

بنابراین از نظر ما تنها و مهمترین ابزاری که باید در پیروسی وحدت جنبش کمونیستی روی آن تکیه نمود مبارزه ایدئولوژیک است ، پیروسی (همکاری - مبارزه ایدئولوژیک) در نهایت همان اختلاف است و اختلاف کیفی با آن ندارد ، که همکاری را جزئی - انهم جزا لازم - پیروسی وحدت بشمار آورد ، ما در بالا همکاری اتحادیه ای را رد نمودیم و این به معنی رد همکاری بطور کلی نیست ، همکاری امر خوبی است و میتواند به امر وحدت کمک نیز کند ، اما مهم اینست که این همکاریها در خدمت وحدت و نه در مقابل آن باشد و تا مین نباید به عنوان شرط ضروری برای وحدت تلقی گردد . ما بین همکاری بطور کلیسی و " اختلاف " یا " اتحاد " فرق قایل هستیم ، ما اختلاف و اتحاد را آن نوع همکاری سازمان یافته ای میدانیم که براساس یک برنامه و زمینه مشخص سیاسی واحد و در یک چهارچوب و نظامنامه و رهبری مشترک صورت میگیرد . ما در شرایط فعلی آن برنامه همکاری ای که به عنوان یک طرح تشکلاتی برای جنبش کمونیستی مطرح شد و دارای برنامه سیاسی مشخص رهبری ، چهارچوب و نظامنامه مشترک میباشد ، به عنوان یک طرح اتحادیه ای و اختلافی رد میکنیم و این هرگز به معنی این نیست که در این با آن موضع مشخص همکاری رد بشود .

این همکاریها که به نظر ما در دوزمینه میتواند و باید صورت گیرد ، در درجه اول این همکاری در جهت سازمان دادن مبارزه ایدئولوژیک و تدارک تشکلاتی آن است . کنفرانس نشربه شورویک آن که اساسا نمکس کننده مبارزه ایدئولوژیک درون کنفرانس است میتواند چنین نقشی را ایفا نماید . زمینه دوم همکاریهای

درباره وحدت

است که بر موارد مشخص و موضوعات مشخص در زمینه های مختلف پیش می آید. این نوع همکاریها میتواند از طریق یک کمیته تدارکات و با شرکت فعالانه اعضاء کنفرانس و تحت نظارت آن صورت پذیرد.

وامانزنامه پیشنهادی ما؟

با توجه به چشم اندازی که در مورد چگونگی تحقق وحدت جنبش کمونیستی در بالاتر آمد، برنامه ما برای وحدت جنبش کمونیستی، چیزی جز همان برنامه مبارزه ایدهولوژیک نیست. برنامه پیشنهادی ما برنامه ایست که باید این مبارزه ایدهولوژیک را سازمان داد و شرایطی به وجود آورد که نیروهای جنبش کمونیستی را در مقابل مسائل و مباحث ایدهولوژیک سیاسی مشخصی قرار دهد که هدفش دستیابی به تئوری انقلابی و برنامه سیاست، مثنی پرولتری باشد. این جریان عمومی و مرکزی مبارزه ایدهولوژیک که میتواند کورانی را در سطح جنبش کمونیستی به وجود آورد، نیروهای اصیل جنبش کمونیستی را حول برنامه و مثنی پرولتری به وحدت خواهد رساند. طرفی که میتواند این مبارزه ایدهولوژیک را سازمان دهد، همان کنفرانس است. از این درجه طرح این سوال که فرنا در مقابل "برنامه" اشتلاقی با "هنگاری اتحادیه ای" برای رسیدن به وحدت چه چیزی ارائه شده است. خود حرکت از دیدگاه اشتلاقی است. ابتدا اختلاف که خود اکثریتانی در مقابل حزب است، به عنوان برنامه طرح میشود و سپس گویسی چیزی در حد برنامه همکاری و اشتلاقی باید برای رسیدن به وحدت جنبش کمونیستی لازم باشد، اکنون این سوال مطرح میشود که پس "برنامه" وحدت چیست؟

هدف ما چیزی جز تحقق وحدت جنبش کمونیستی و تشکیل آن یعنی حزب نیست و برنامه ای که بر این اساس ارائه میدهیم سازمان دادن مبارزه ایدهولوژیک یعنی از کار فعال گروهها در درون طبقه میباشد. بنابراین ما ادامه کار کنفرانس را به مثابه طرفی برای مبارزه ایدهولوژیک جنبش کمونیستی لازم میدانیم. این کنفرانس میتواند به یک کنفرانس و گروههای مرکزی کل نیروهای م. ل تبدیل شود که اساسی ترین وظیفه اش را حول پرودها با مغلظات شورویک سیاسی و مبارزه ایدهولوژیک متمرکز نماید و نیروهای وسیع م. ل را در مقابل مسائل بنی مشخص و تکرر قرار داده و در دستیابی به تئوری انقلابی برنامه مثنی و تاکتیک پرولتری و مزیبندی مثنی پرولتری با مثنی های غیر پرولتری از این نیروها تاثیر گرفته و متقابلا تاثیر بگذارد و بر این اساس نیروهای اصیل جنبش کمونیستی را حول برنامه و تاکتیک پرولتری تشکیل مکتبایی میکند. پس این ترتیب کنفرانس، یک کنفرانس دیرپا بوده و گام و گامها و گروههای دیگر هم که خارج از کنفرانس هستند، حتی المقدور و بطریق مواظب شخصی به آن راه خواهند یافت و احیانا بطریق مواظب شخصی از آن اخراج خواهند شد. این کنفرانس وظیفه دارد دستاوردهای خود را در زمینه مبارزه ایدهولوژیک از طریق یک نشریه و یا بولتن بطور مستمر در اختیار کلیه نیروهای جنبش کمونیستی قرار بدهد. این نشریه را میتوان با طرح مسائل مختلف و مباحث ایدهولوژیک سیاسی گروهها که با مسئولیت خویش در آن شرکت خواهند نمود، غنی تر نمود.

مطلبه اقدام و وحدت تشکیلاتی گروهها همچنان می تواند به عنوان یک مسئله اساسی و محمول مکتبایی مبارزه ایدهولوژیک که پیوسته و بصورت مستمر در حالیه کنفرانس صورت میگردد، مورد توجه قرار گیرد. این کنفرانس هم چنین یک کمیته تدارک برای هماهنگی ها و همکاریهای موضعی که در زمینه های مشخص و در عمل مشخص صورت خواهد گرفت، تعیین نماید. این کمیته صرفا جنبه تدارکی دارد و اساسی ترین وظیفه اش پیشبرد همکاریها در چهارچوب مواظب کلی کنفرانس خواهد بود. درباره مواظب این کنفرانس بعدا خواهیم نوشت. جلاست کنفرانس با توجه به دیدگاه فوق میتواند با زمان متناسب و قبلی برگزار شود.

آنها نمی توانند هم به شکنجه و آزار سعادتی بخیزند،

هم بسازمان مجاهدین خلق تهمت بزنند،

هم مدافع آنان باشند!

صبح روز سه شنبه صدای جمهوری اسلامی ایران، خبر دستگیری تقی شهرام، رهبر سابق بخش متشعبان سازمان مجاهدین خلق ایران، را اعلام کرد. در همان اولین اعلامیه داستانی، با وضوح تمام، هدفها و راهکارها گردانندگان امر از این موضوع دنبال میکنند، چشم میخورد و به همین جهت، افشای این هدفها و توضیح درباره چگونگی برخورد درست و انقلابی باین مسئله، ضرورتی از داشتن هرگونه اختلاف سیاسی ایدهولوژیک با تقی شهرام، بدون اینکه انحرافات و اشتباهاتی که وی در رأس قرار داشته است فراموش شود، امریست لازم و فوری. و از این دیدگاه، ما بدون اینکه اختلافات و مزیبندیهای سیاسی - ایدهولوژیک خود را با وی فراموش کنیم، در اینباره موضع خود را اعلام میداریم:

نگاهی بزندگی سیاسی تقی شهرام

تقی شهرام در سال ۱۳۲۷ به عضویت سازمان مجاهدین خلق ایران درآمد و یکی از کارهای او فعالیت سازمان بود در سال ۱۳۵۰ به همراه دهه زبانی و افعال و رهبران سازمان به اسارت مزدوران رژیم شاه جلا درآمد. در زندان، پس از تحمل شکنجه سرانجام همراه با حدود ۱۰ نفر دیگر ازما - هدین به پای میز محاکمه در دادگاه اول مجاهدین خلق ایران (که رژیم مقام خامی را از آن دنبال میکرد) کشید شد. در این دادگاه تقی شهرام، با اینکه بیگناهیست - قدری کوتاه آمدن، محکومیت خود را به حداقل ممکن رساند، ولی با برخورد انقلابی خود و به پای ۱۰ سال زندان رژیم را در این دادگاه همراه با دیگر مجاهدین پرشور، افشا نمود.

پس از چندی سلطت درگیریهای فراوانی که با مزدوران زندان قهر داشته همراه با رفیق شهید حسین عزتی زندان ساری منتقل گشت (درواقع شهید شد) او در زندان زندان رفیق عزتی، و با جلب نظر رفیق احمدیان (معاون زندان ساری) نسبت با هدف انقلابی خود، توانست با تالیف در وقت فراغ آنکدر و با مداره ۱۸ قیغه سلاح کمری و بمبیم و وسایل دیگر در اردیبهشت ماه ۵۲ از زندان فرار کند و به برادران خود پیوست. او پس از پیوستن به همزمان خود، عملا در کنار رهبری سازمان قرار گرفت.

ما با اشتباهات و انحرافات وی چگونه برخورد کردیم؟

او در طی تشبیر و تحولات درونی که ما قبلا توضیحات مربوط بآن را داده ایم (۱)، در اس بخش متشعبان سازمان مجاهدین خلق ایران (س. م. خ. ا) قرار گرفت (برخلاف بیاعتمادی که مبنی بر تشبیر ایدهولوژی وی در زندان وجود دارد، او در طی همین دوره بود که تشبیر ایدهولوژی داد. او در جریان انحرافات و حوادث تاسف آوری که در این رابطه بوقوع پیوست، نقش اساسی و تعیین کننده داشت. ... پس از برآمدن در این انحرافات بر طبقه انحرافات گذشته

بخش متشعبان (س. م. خ. ا) در سال ۵۶ و ۵۷ (مراجعه شود به اسنادی که قبلا متذکر شدیم) چگونگی برخورد به اشتباهات و انحرافات که تقی شهرام در آن قرار داشت، دارای اهمیت اساسی بود. موصفیمگی ما در مقابل وی بر این اساس قرار داشت که این اشتباهات و انحرافات در اردوی انقلاب صورت گرفته است و مسائل ناگوار که در این رابطه پیش آمده در مسیر مبارزه بر علیه شاه و خائن و امپریالیسم آمریکا بوده است. اگر تقی شهرام با ارتکاب با اعمال ضد انقلابی، به نیروهای مبارز فریب زده بود، در عین حال با قرار خود از زندان، با داشتن نقش فعال در طراحی اقدامهای انقلابی سرشپ زندی پور (معموم) و سرهنگهای (خون آشام معموم) آمریکا و ... و فریاد تشبیر بر پیکر امپریالیسم و ارتجاع وارد آورده بود، بنابراین برخورد به وی نباید بی - اساس برخوردی خصمانه و قهرآمیز، که که تنها در مورد در انقلاب و دشمنان خلق جایز است، صورت میگرفت. بلکه این برخورد مینابست بر اساس یک برخورد انتقادی و افشا گرانه نیست به مواظب انحرافی وی و محکوم کردن این مواظب عملی میگشت. این نظریه ایست که در مورد اشتباهات و انحرافات سیاسی - ایدهولوژیک همزمانی ما و با به قرار میگیرد. بدین ترتیب که با توجه به میزان اهمیت اشتباهات و انحرافات ما با تقی شهرام برای یک

(۱) مراجعه شود به جزوات "اعلامیه همراهم ۵۷" (بخش متشعبان از س. م. خ. ا) و "اعلامیه توضیحی زمستان ۵۷" ما و نظرات ما در مورد تشبیر و تحولات درونی سازمان مجاهدین خلق ایران (منتشره در اردیبهشت ۵۸).

مبارزه را هم کرده که او با اشتباهات خود بی برسد (که این کار میتواند بسته به میزان و اهمیت موضوع، از اشتباه ساده تا گرفتن مسئولیت و تشبیر مدار مسئولیت تا فرستادن به اردوی کار و ... تشبیر کند) و با آزار سازمان و تشکیلات، خود را با افشای لازم سیاسی - ایدهولوژیک در سطح جنبش اخراج کرد.

ما با توجه به تحلیلی که از رفتارها داشتیم اوزان بخش متشعبان (س. م. خ. ا) اخراج کردیم و ما به تریانی را که و تا آن زمان نمایندگی میکرد، در سطح جنبش افشا نمودیم. و امروز ما بدون اینکه در مقابل در مقابل مبارزه سیاسی - ایدهولوژیک خود و دیگر نیروهای انقلابی و ترقی بر علیه تفکر و جریان انحرافی که تقی شهرام نمایندگی کرده است تردید داشته باشیم، بدون اینکه لحظاتی از اشتباهات و انحرافات افشای را که وی مرتکب شده است فراموش کنیم، و بدون اینکه در مقابل در مقابل اشتباهات و انحرافات خود ما و تشبیر و مزیبندی و اشتباهات بدون اینکه حتی این احتمال را از نظر دور داریم که دلیل اختلافات ایدهولوژیک - سیاسی ما با وی داریم و به موصفیمگی علیه ما کشیده شود، لازم میدانیم در اطراف این مسئله توضیح دهیم که چه کسانی حق نظر، قناعت و تریانی برخورد سالم با این قضیه دارند و چه کسانی ندارند. ما این قضیه از چه زاویه ای باید برخورد نمود و ... همین طور توضیح دهیم که گردانندگان ما و کارگردانان فلسفی چگونه میخواهند از این قضیه استفاده کنند.

★ ★ ★

قبل از برادارتن بعد از آنکه گردانندگان چنین اموری از دستگیری تقی شهرام دنبال میکنند و قبل از بررسی این موضوع که چه کسانی صلاحیت و حق نظر در این باره دارند لازم است اشاره ای بنحوه برخوردی که تا قبل از قیام بهمین ماه در رابطه با تحولات درونی سازمان مجاهدین خلق (سال ۵۴ - ۵۲) صورت گرفته است اشاره کنیم. در اینباره ما

از دو موضع برخورد شده است: برخورد اول که عمدتا از جانب نیروهای مترقی و انقلابی عام آزدی و مارکسیست - لنینیست صورت گرفته، حول محکوم کردن و افشای ما به این اشتباهات و انحرافات و تسلسل جدوی درس آموزی از آن بوده است. این نیروها بدرستی منتقد بوده و هستند که اساسا، اشتباهات و فاسدات تا سلف انگیزی که در اردوی انقلاب و در جریان آن که مبارزه انقلابی بر علیه ارتجاع و امپریالیسم بوجود میاید، ما هتایا اعمالی که خدا نقلاب همیشه و همواره بر علیه خلق انجام میدهد، تفاوت فاحش دارد و ایندو را در کنار هم گذاشتن بمعنی مخدوش کردن مفاد انقلاب و ضد انقلاب و در نتیجه افشادن بدام خدا نقلاب است که همیشه سنی دارد اشتباهات و انحرافات تا دست درماف انقلاب بر دست و بزرگ و از آن برهان عشاشی برای گویندی انقلابیون گرفته شد - کاری که رژیم شاه و بارها و بارها میکرد - همینطور این اشتباهات و انحرافات اسفندنا را بر ما طرح عالی که از جانب افراد و عامر غیر سیاسی صورت میگردد، قابل قیاس نیست.

اما برخورد دوم، که از جانب تشبیر و مذهبی و تسلیم طلبان و سازشکاران مذهبی و بورژوازیستها و روبریونیتها صورت میگرفته بهیچوجه شمشو است بنا بر ما خواهد بود. اول

کسانیکه تادیب برای مجاهدین شهید اشک تمساح مریختند، دیگر امروز مجشان باندازه کافی باز شده

اشتباهات و انحرافات از فدا نقلاب را تمیز دهد، تا نسبتا، بین این نوع اشتباهات و انحرافات هر چند بزرگ و جر امه عادی تفاوت قائل شود. بهمین خاطر آنها نه فقط بلانامه در دامن زدن با اختلافات درون خلقی و برهاند خن جنس عقیدتی بهمان راهها می متصل میشدند که خود را بنا بر هر انحرافی میدانستند، بلکه به جز آن بدام تسلیفات حساب شده و کارزار تسلیفاتی رژیم شاه غاش بر علیه انقلاب - بیون و مارکسیست - لنینیستها میافتادند. اینها قبل از اینکه بر علیه این انحرافات و ما هیت آن مبارزه کنند و نشان دهند جریان انحرافی که تقی شهرام در آن قرار داشت، جز به تفرقه در میان نیروهای انقلاب منجر نشود و جز با افشای این اشتباهات که راز جنگ عقیدتی تشبیر جبهه انقلاب مشرقی ندارد. ... از همین پیشا میدهیو برای تفرقه افکنی در میان نیروهای انقلاب و آتش افروزی ایجاد و گسترش جنگ عقیدتی در بین خلق و ... استفاده کردند (و میکنند). بسیار و حتی اکثریت مردم آزاری که در برهاند انداختن این کارزار تسلیفاتی همزمان و همگام با رژیم بر علیه انقلابیون مارکسیست - لنینیست شرکت میکردند، در مبارزه و مقابله با جناح با رژیم شاه غاش سکوت مزرورانه ای در پیش گرفته بودند. بهمین ترتیب، ما هیت تفکر تفرقه افکنانه و ضد انقلابی اعمالی که بظاهر از جانب اینها محکوم میشد، با تزلزل و تسلیم طلبی در

وزارت کار و در روی کارگران

اخبار کارگری

پاسخ حق طلبی کارگر

در تاریخ ۵۸/۴/۱۲ کارگران ساده شرکت سیمان سنگین که در جاده مخصوص کرج واقع است دست از کار می‌کشند. کارگران خواستار حقوق بهتر بودند. این کارگران زحمتکار روزانه در مقابل کار سنگین ۵۰ تومان حقوق می‌گیرند و با توجه به هزینه سرسام آور زندگی قادر نیستند حداقل مایحتاج زندگی را برای خود فراهم کنند از اینرو آنها خواستار این می‌شوند که ۱۰ تومان به حقوقشان اضافه شود. اقدام دسته جمعی کارگران با عکس العمل شدید و توهین آمیز مهندسین رو برو می‌شود مهندسین آنها را تهدید به اخراج و دچار شدن به بیماری بیکاری می‌کنند. هنگامیکه یکی از کارگران به پاسخوگی با او می‌پردازد، او را به اطاق خود احضار و بعداً او را نک میزند. این عملیات فظرتانه مهندسین با اعتراض کارگران مواجه می‌شود و پنج تن از آنان برای شایسته کشته می‌روند ولی تنها حاصلی که می‌آید همانا حکم اخراجی از طرف مهندسین بود. و کمیته هیچ اقدامی ننموده است. آنجا نگرانی که البته چیز دور از انتظاری هم نبود. کارگران با تکیه به نیروی خود و با تشکیل خود می‌توانند حقتان را از سرمایه داران زلوفت بگیرند نه با توسل به ار گنهای بورژوازی. این مسأله‌ای است که روز بروز کارگران در عمل بیشتر به آن می‌رسند.

در هفته اول تیرماه کمیته اداره شهر اهواز رای خود را درباره دوشن ازجا رفتگی که توسط کارگران و کمیته کارخانه با تمام همکاری با ما واک و دزدی از سوال شرکت دستگیر شده بودند صادر کرد و اجازه داد که آنها به شرکت بازگردند.

علی حسینی رئیس امور مالی و تولید شرکت با گردن افراشته شرکت بازگشت. او معرفی نامه‌ای برای کارمجداد دادگاه گرفت بود. کارگران بعضی بدین اودست از کار کشیدند و همه بیکارچه گفتند: "ما حسینی، ما با دوازده دوروز اعتصاب کارگران، کمیته کارخانه را مجبور کردند که بهیمره نامه بندهاگان دادگاه، انقلاب شهر و کمیته اداره کار جلسه دادگاهی درخودکارخانه تشکیل شود تا خودکارگران حسینی مزدور را به محاکمه بکشند. مصدعی نماینده کمیته شهرتحت فشار کارگران طی صحبتی شایع اعلام کرد که راقبلی باطل است و رای ضعیفی همان است که در این دادگاه می‌گیریم مصدعی راجع به خصوصیات انقلاب اسلامی صحبت کرد که با اعتراض یکی از کارگران روبرو شد که میگفت: "زبان ما حرف بزنی، حرفش را قطع کرد. بندهاگان کارگری بخاطر رئیس دادگاه حمله برد که کدام قانون گفته است که درجلسه کارگران ما مورکمیده باسلحه گرم آورده شود. طی صحبت قرار شد دیگر ما بوران کمیته بدخل کارخانه نیابند فقط وظیفه نگهبانی را بسهمه داشته باشند.

در طی جلسه دادگاه چند نفر از کارگران راجع به دردها و سواکی بودن اوصحت کردند و نوبت به خود حسینی رسید تا از خود ست دفاع کند. حسینی میگفت: "من تصعبی سردار من یک مجری بوده‌ام که تقصیر مدیرعامل خارجی بوده. اودستور میداد و من اجرا میکردم. در این موقع کارگران دست جمعی اعتراض کردند که شما همه با هم بودید، حسینی در دادگاه صحبتایش گفت: "من هر قدر ادا می‌کنم که با شرکتها میمنت ترجمه. آنرا به مدیرعامل میدادم و او هم ناشد میکرده. در این موقع یکی از کارگران اشاره به دزدی حسینی کرد و گفت: "دزدی چرا جفا می‌کند که خودت انجام دادی هم ترجمه میخواست؟"

حسینی که با اتحاد و قاطعیت همه کارگران روبرو شده بود، شروع به التماس کردن کرد و گفت من قبول دارم اشتباهاتی کرده‌ام. ولی بمن فرصت نده تا خدمتگزار شایم باشم. که کارگران همگی سرکان دادند و لبخند تفسخ آمیزی زدند.

بعدا حسینی رئیس امور مالی اجازه صحبت خواست و گفت: "من از شما برادران کارگر می‌خواهم که به آقای حسینی فرصت دهید. انشاءالله اطلاع می‌شود. آخر در اعلام بگشت است. بخا طرزن و بجه هائیش با بنیاد لغرت داد. در کارگران هیچ وجه در گرفت که نوبت تو" هم می‌رسد. کارگران دیگر آبدیده شده بودند. این اولین باری نبود که با اسم اسلام میخواستند سرشان را بشیره بمانند. بعداً رئیس امور مالی یکی از کارمندان نامه بنده کمیته کارخانه شروع به صحبت کرد. او گفت: "برادران کارگر، من در شما را میفهمم که با همین مدیر مالی همکلان بودم و دوریال نداشتم گرا به خود بوس بدهم، ولی همین آقای بهترین ماشین به مدرسه می‌آید" بقیه در صفحه ۲

کارگران برای رسیدن به خواسته های حق طلبانه خود دست به اقدام جدی زدند و در تاریخ ۴/۸ دفتر مرکزی شرکت را به اشغال خود درآوردند. و برای اینکه هیچ راه حله‌گری برای کارفرما نگذاشتند او عوامل نزدیکش را به گروگان گرفتند.

دخالت وزارت کار...

روز یکشنبه ۵۸/۴/۱۰ با تلفن عوامل کارفرما به وزارت کار افراد (مسلح) "نیروی ویژه تنظیم روابط با کار" (۸) (دروغ جمعی جدید کارفرمایان) به محل می‌رسد و کارفرما و عواملش را از دست کارگران درمی‌آورند. و به وزارت کار می‌برند. نمایندگان کارگران نیز، بدینحال این جریان به وزارت کار می‌روند بقیه ماجرا را از زبان خود کارگران بشنوید:

بروید شما عد انقلاب هستید شما عد بشر هستید من بسا شما کار ندارم سوار ماشین شد رفت ما که اعتراض کردیم با سادها اسلحه بروی ما کشیدند و گفتند توهین به آقای وزیر توهین به امام است. آیا در کجای مملکت است که حق خود را خواست توهین به امام است آیا این وزیر کار خط می‌شاید خط می‌شاید امام بگفت: ای بسا قفاوش با شماست.

راستی برادران کارگر عد انقلابی کیست؟ کارگرانی که با سنگین انقلاب را بدوش داشتند با کارفرما با تکیه به محض آنکه وضع را تا مساعد دیدند تمامی پولهای خود را از بانکها خارج کردند و اسنک با پرورش هر چه تمام تر برای استثمار ما برگشته‌اند. آیا عد انقلابی کارگری هستند که تمامی سختی های ناشی از بی نفتی، بی برقی و غیره را از صمیم جان تحمل کرده‌اند تا انقلاب به پیروزی برسد با کارفرمایانی مانند سودآور که بمحض آنکه سوخت قطعات بیدگی و غیره به آنها نرسید نسورا تصمیم به اخراج کارگران خود نمودند. عد انقلابی کیست؟ کارگر با کارفرما. خودتان قفاوش کنید. خواهش میکنم که تمامی این مقاله را در هفته نامه خود چاپ کنید تا آگاهی برادران کارگر بالا رود.

نقل از عده ای از کارگرانی که شاهد جریانسات فوق بودند، تا فروهر و فروهرها چهره عوض نکنند.

عکس العمل کارگران در مقابل توهین وزیر کار

خاروکه این همه مبارزه کرده ایم عد انقلابی ما و بر سر کار کارگر دیگری میگفت:

توهین به نمایندگان ما توهین به سه هزار کارگر بنز خاور و توهین به تمام کارگران ایران است.

کارگران گفته‌اند تا هنگامیکه این توهین وزیر کار پس گرفته نشود دست از بیکاری نخواهند کشید و از یکدیگر خواستند که با اقداماتی از قبیل راه پیمایی و تحصن در نخست وزیری و وزارت کار و منزل امام بپردند از چهره عد انقلابی و عد کارگری وزارت کار و آقای فروهر بردارند.

کارگران بنز خاور طی مبارزات سه چهار ماهه خود توانستند ۹ تن از مزدوران ساواک، مدیران و سرپرستان عد کارگر را اخراج کرده و همچنین ۴۰ ساعت کار در هفته را به اجرا درآورند. در این مدت هشت مدیره سابق شرکت تعاونی اعتبار را به اتهام اختلاس و خیانت تحویل کمیته مسلح کارخانه دادند. ۴۰ تومان اضافه حقوق دست‌آورد دیگر کارگران بود. کارگران در ادامه مبارزات خود بنیاد اعلام خواسته های ۸ ماده ای خود دفتر مرکزی شرکت را به اشغال خود درآوردند. نظارت نورا بر کلیه امور مدیریت، اجرای کلیه تقاضاهای رفاهی و بهداشتی و اسنکی کارگران و سفارشات خارجی بسراپای قطعات و مواد اولیه از جمله خواسته‌های است که کارگران بدان اشاره کرده اند. اما کارفرما هنوز دفع الوقت کرده و با حمله گری های خود کارگران را سر می‌دواند.

عد انقلابی کیست؟

بنام خدا

۵۸/۴/۱۱

از برادران کارگر ما در کارخانه بنز خاور به ما خبر رسیده است که روز شنبه ۵۸/۴/۹ نمایندگان کارگران با تعدادی کارگر دیگر این کارخانه به دفتر مرکزی این شرکت می‌روند و خواسته‌های سر حق خود را برای رسیدن به بار با کارفرما مطرح میکنند. ولی با مخالفت روبرو می‌شوند کارگران که دیگر مذاکره با کارفرما را بی نتیجه می‌بینند و دیگر کانه سرشان لبریز شده بود دنیا راه را در این می‌بینند که کارفرما و چند تن از عواملش را مجبور به ماندن در دفتر شرکت نمایند. تا تکلیفشان روشن شود. روز بعد از طرف کمیته از کارگران و اعضای نورا می‌خواهند تا به وزارت کار رفته و در آنجا مسائل خود را با نماینده وزارت کار مطرح نمایند. اتفاقاً در آنجا با وزیر کار آقای داریوش فروهر روبرو می‌شوند. کارگران با خوشحالی به طرف آقای وزیر کار می‌روند ولی به محض اینکه جناب وزیر منوجه کارگران بنز خاور می‌شود، کارگران با خوشحالی می‌گویند آقای وزیر بناد ما برس! آقای وزیر می‌باید شما کارگران کما حدیثه؟ کارگران می‌گویند بنز خاور، آقای وزیر گفت شما ها همانها هستید که کارفرما را گروگان گرفته اید

پس از توهین وزیر کار به کارگران، کارگران بنز خاور بهت زده و خشمگین دست جمعی به خانه آیت الله طالقانی رفتند و نامه اعتراض آمیزی به نماینده آقای طالقانی دادند. آنگاه به کارخانه برگشتند و آنچه را که سرشان آمده بود با کارگران دیگر در می‌سازند. گذاشتند. موج اعتراض ختم و نفرت علیه فروهر، پشیمانان سرمایه داران بالا گرفت و کارگران بکدل و سبک دست گفتند. حامیان سرمایه داران عد انقلابی اند. کارگر جوانی میگفت:

این باید برای ما روشن شود که ما سه هزار کارگر بنز

"قاطعیت کارگران کارخانه آکروساز بر علیه عوامل امپریالیسم و بقیایای ارتجاع"

لیانی کارم نشنان نمیکنند. کمیته مرتب به کارگران توصیه میکند که سرنگند کارها درست می‌شود. در کارها دخالت نکنند ولی کارگران بپیشرو کارخانه به کمیته فشار می‌آورند و تا بحال تحت فشار کارگران کارخانه در کارخانه انجا مندهاست. ۴ نفر از کارمندان کارخانه با اتهام ارتباط با ساواک و دزدی اموال شرکت و حیثی و غیره آن توسط کمیته کارخانه به کمیته انقلاب شهر اواز تحویل داده شدند. این چهار نفر، (۱- علی حسینی رئیس امور اداری و مدیریت، ۲- خراوی مدیریت بخش کار، ۳- قنبری رئیس کارگری، ۴- علی منصور رئیس روابط عمومی میباشند. آنها در باجوشیانی که از آنها بعمل آمد، تمام تقصیرها را به گردن مدیرعامل انگلیسی انداختند.

درا و خرمه اردیبهشت مدیرعامل انگلیسی شرکت به عنوان مشاور شرکت اطمینانی اکروساز انگلستان که به اواز آمده بود وارد کارخانه شد، بعضی اطلاع کارگران کارها را تسلیم کرده و جلوی قسمت اداری جمع شدند و گفتند: "دزد حاضر و نیز هم حاضر". کارگران خواهان یک جلسه عمومی بودند تا مدیرعامل انگلیسی وضع دزدیهای شرکت را مشخص کند تا همه آنها شایسته تقصیرها را بگردن مدیرعامل میاند. خندند. تکلیفشان مشخص می‌شود. کارگران بعداً از یک جلسه با مدیرعامل انگلیسی او را تحویل کمیته شهر اواز دادند و کمیته شهرم اوز بیکانه! شناخت و اجازه خروج او را از کشور صادر کرد.

بعد از تاسودی رژیم سلطنتی شاه، کارگران و کارمندان کارخانه آکروساز اواز برای رسیدگی به وضع کارخانه، تصفیه و اخراج عوامل ساواک، بازگرداندن کارگران اخراجی و راه اندازی دوباره کارخانه کمیته‌ای تشکیل دادند. این کارخانه که سازماندهی، مخازن فشارقوی گاز و نفت است، وابسته به شرکت آکروساز انگلستان است و مقبوض سهام آنرا بانک تومسه، صنعتی و معدنی و شخصی بنام نصرالله زند شپوری در اختیار دارد.

کارخانه میزور مد نفر کارگر و خودد سی نفر کارمند دارد که از بین این عده دو نفر کارگر و ۲ نفر کارمند در کمیته انقلاب کارخانه انتخاب شدند. کارگران کارخانه در انتخاب نماینده تجربه نداشتند. در کارخانه‌ای که ۱۰۰ نفر کارگر و حدود ۳۰ نفر کارمند دارد، باید تعداد نماینده کارگر و کارمندی به همین نسبت باشد. نه دو کارگر و ۴ کارمند. البته این بی دقتی کارگران در انتخاب نمایندگان مبارز، دلیل دیگری هم داشته کارگران فکر نمی‌کردند تا سرمایه داران در رأس حکومت قرار گرفته‌اند، آنها از از ضعیفی پشت پرده خبر نداشتند. با این خاطر فکر می‌کردند "دولت با صلاح انقلابی دولت خود آنهاست و لزومی ندارد که با آن فشار بیاورند.

در این پنج ماه، کمیته کارخانه نشان داده است که بیشتر طرف کارفرما و دولت را میگرداند طرف کارگران را. دو نفر کارگری هم که در کمیته هستند بهیمره کارمندان همیشه زیرک و لودرما عثمان اداری نشسته اند و در این مدت دیگر

پیکار دیگر...

تعدادی کارگر انجام مید. با همت ها و افترا هائینی
روبرو شدند که از گلشن آنها در کاغذ شوم داریم .
باز بفرمایند که مگر رژیم شاه است که ما را به
مطلب می بندند ، مگر رژیم شاه است که به مگر
" اغلگر " و " فد انقلاب " و ... می گویند . مگر
رژیم شاه است که ما را دستگیر و به زندانهای سابق
ساواک می برند و شکنجه میکنند و خلاصه بخاطر تهمینی
که ما بعد از این روز کردیم به ما وعده های دادند که
همان توغالی بود و در پس این وعده ها و ...
" حلق آنها " همت ها و بگری و بینه های شدید انجام
دادند . باز بفرمایند . خدایا ما ! انقلاب کردیم
چرا اینطور شد ؟ بگو موفقی که انقلاب میشود دولت
موقت باستانی کارگران را بگیرد و ببنند کنند ، مگر
کوفی که انقلاب با بستی یک عده مثل کارگران را ز
گرسنگی و دربند و بیگاری میبرند و عده ای مسئول
بازاری و سرما به دار و مو من نما هکار شوند و شکم
گنبد کنند و با ماشین های آخرین مدل به اکتان
طرف و انظار بیروند و ما را به زندان و محاکمه بکنند ؟
و اینها هستند که هر روز خشم و نفرت ما کارگران را بر
می انگیزد و خلاصه روزی کاسه صبرمان را تمان می -
کنند . آری با مسئول امیری که در گزارش درخیم امیر
باشیم به خانه کارگر آدمیم روز جمعه ، استاندار
باشیم به خانه کارگر آدمیم ، سنگ بنای سندیکا
گذاشتیم ، کارت درست کردیم ، پرونده درست کردیم یک
روز ششم ، استاندار و آیت الله طاهری آمدند به خانه
کارگر و سلحجانه پرونده زندگی ما را بردند . بهر
کدام که گفتیم ، گفتند ما نبودیم ، خلاصه استاندار
قبول کرد که در روز جمعه اقدام بیرون پرونده نسوده
است و می گفت که من منتخب امام هستم و اینها را به
شما نخواهم داد ولی باز ما با صبری کارگری دوساره
پرونده و کارت و زندگی درست کرده و بکار خود ادامه
دادیم و بعد از چندین مرتبه تهران رفتن وبه وزارت
کار رفتن ، بالاخره تصویب سندیکا پروژه ای بیکار و
ناغل را گرفتیم که اداره کار اطمینان بامامنا لگست
شود و گفت با بستی نام سندیکا بجای سندیکای پروژه ای
به سندیکای انقلابی تبدیل شود . که بعد از دالسیل
منطقه ای اعلام را باصفت نمیتوان مخلوط کرده خلاصه
بعد از ساعت ها و روزها بحث مذاکره استاندار و
اداره کار حرف منطقی ما را قبول کردند که تا مست
سندیکای پروژه ای باشد . ببینید صبر کارگری تا کجاست ؟
برای احداث کارگرسنگی و مرگ ، برای نجات یافتن زن و
فرزند کارگر از انحرافات مختلف از جمله فحشا ،
چه میکنند ما ؟
بالاخره اجازه تشکیل مجمع عمومی کارگران برای
تعمین نماینده را از اداره کار به تصویب رساندیم .
که قرار تشکیل مجمع عمومی روز پنج شنبه ۵۸/۴/۱۴ گذا
شته شد .
در جهت گذاردن مراحل قانونی به دادستان نامه
نوشتیم که پاسداران انقلاب اسلامی را برای محافظت به
خانه کارگر بفرستند . به آیت الله طاهری فرستادن
نماینده خود ، جهت احترام ما به روحانیت نامه نوشتیم .
ولسی :

کارگران ایران ، انقلابیون و زحمتکاران ایران !
پاسداران که با بستی ۶ عده باشند ، به دهها تن
رسیدند که تحت رهبری شخصی نام ریشی بودند .
پاسداری که باید حفظ نظم بکنند به وسیله تعدادی
هکار دیگر خود که شمارمگر بر کمونیت میدادند از پنجره
خارج سالن مجمع عمومی با گرفتن اسلحه به سوی کارگران
به داخل سالن برپیدند و با ایجاد رعب و وحشت کارگران را
و اوار بخارج شدن از درب و پنجره وشیشه کردند که متعجب
به زخمی شدن و با اسلحه شدن تعداد زیادی کارگران شد و
دندان همین جریان با برتاب سنگ و زدن چاقو از طرف
تعداد دیگر از همین افراد دو نفر زخمی که یک نفر
آنها به بیمارستان برده شدند باقی ماندند . باز همین
پاسداران نظم با حمله به انتظامات کارگران که با
آنها همکاری میکردند به دستگیری آنها و فرستادن آن
ها به کمیته اقدام کرده و باز همین پاسداران نظم
که بنا بخوابت هیئت موسس دعوت شده بودند دستگیری
هیئت موسس سندیکا اقدام نموده و تعدادی دیگر از کار -
گران را به زندان روانه ساختند . در زندان از تعدادی
از آنها خواستند که تعهد بدهند که دیگر در اجتماعات
کارگری خانه کارگر شرکت نکنند و اگر اغتشاشات کردند
باید به شدیدترین وجه محاکمه شوند . خیلی فد اسلامی
است ، کما اینکه خود اغتشاش درون کارگران را بوجود آوردند
سکارگران اغتشاش کرده و از آنها میخواهند که اغتشاشات

درگیری دهقانان با مالکین سابق
(در منطقه مهاباد)

در شماره قبل ، جریان " درگیری دهقانان با مالکین
سابق " (در منطقه مهاباد) را آوردم . در اینجا توجه
شما را به بررسی عمل شرکت حزب دموکرات در این درگیری
که بخاطر برطرفداری از دهقانان شتمیده ما صورت گرفته
است جلب میکنم :

انگیزه حزب دمکرات
از شرکت در مبارزه

حزب دموکرات در اعلامیه " ۵۸/۴/۵ که بعنوان تبریک
پیروزی دهقانان بر اربان نوشته شده است چنین وانمود
کرده که حزب برای حمایت از منافع زحمتکاران روستا و
مقابله با مرتجعین و نیروهای فدا انقلابی درگیر در این
مبارزه شده است . برای پی بردن به صحت یا عدم صحت
این مطلب باید به وقایع و اعلامیه ها و مواضع گذشته
حزب توجه کنیم :

هنگامی که " جهانگیر خان " مالک مرتجع منطقه
" سوما - بروست " دهقانان را از ده بیرون رانند و
آواره گردانید ، از دیدگاه حزب یک عمل فدا انقلابی نبود که
همچون اینها درگیری در یک مبارزه مسلحانه نشود حتی
اعراض نیز در سطح خیلی ابتدایی باقی ماند . در موارد
دیگری که به دهقانان تجاوز می شد حزب حتی موفقی نمی -
گرفت تا آنکه در اعلامیه " ۵۸/۴/۱۵ حزب موضع خود را در
قبال مساله ازین اعلام نمود . در این اعلامیه سران حزب
می گویند که :

" ... در موقعیت کنونی خلق ما بیش از هر زمان
دیگر احتیاج به اتحاد و همبستگی دارد و به هیچ وجه
درست نیست که در این شرایط خاص با مطرح کردن بعضی
مسائل منطقه ای (منظور حزب از مسائل منطقه ای مساله
ارنی است که با عقدا می یکی از مسائل مهم انقلاب ایران
است) صف متشکل خلقمان را بر هم بزنند . " درجای
دیگری در همین اعلامیه کمیته مرکزی اظهار نظر می کند
که دهقانان باید دست نگا دارند تا پس از آنکه دولت
توانست مسائل دیگر ؟ !! انقلاب را حل کند در ضمن ارائه
بر نامه " اقتصادی به مساله " ارنی نیز توجه نماید . با
توجه به نظرات حزب و دیدگاه های فوق برای هیچ نیروی
آگاه و مترقی قابل قبول نخواهد بود که حزب یک شش
تفسیر موفقی بدهد " با فلاح برای دفاع از منافع زحمتکاران
روستا ، سلحجانه با نیروهای مرتجع درگیر شود . پس
انگیزه " حزب دموکرات از شرکت در این مبارزه چیست ؟
با توجه به مطالب زیر انگیزه " اصلی حزب دموکرات تا حد
زیادی روشن میشود :

۲/۵ ماه پیش از این (ارباب سابق) بنام علی با
پیر آقا (از سرپردهگان رژیم آریامهری و همچنین دولت
فعلی) مقداری اسلحه خریدند " بود " با آن مقدار اسلحه ،
دفتری بنام حزب تشکیل دادند نام یکی از دهات منگور ()
از میزند و طایفه " وابسته بخودش را که به طایفه منگور
مشهور هستند ، در آنجا جمع میکنند . این گروه عمدتاً از اربابهای
سابق عشیره " منگور هستند و خود را وابسته به انگیزه " حزب
دمکرات گردستان و رهبری احمد توفیق میدانند .
علی با پیر آقا " سوسله " پسر شیخ کرگت (از مرتجعین
مشهور منطقه) با هم جلال با رومیه مرتجع میشود و کمیته
ارومیه که آیت الله سنیر را تران است ، همراه با فر -
مانده " زاندری به اربابهای سابق منگور که حزب قدیل
را درست کرده بودند ، اسلحه میدهد (در حدود ۵۰۰ بقیه) .

هموطنان مبارز!
کمکهای مالی خود را به حساب جاری
شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران ،
تهران شعبه ۱۳۲۹ خیابان کارگر (امیر -
آباد جنوبی سابق) واریز نمایند .

دکتران بنگنه ضروری است که با راه ای از اربابهای
سابق طایفه " منگور خوده مالکین کوچکی هستند که مقدار کمی
زمین در اختیار دارند و نمونه های درست است که اکنون
همین ها بدنبال و زحمتگاری کارگر روزمزد شده اند و لیکن
بدلیل عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی آن ناحیه و تحریک
عوامل دولتی و سوء استفاده برضی از عناصر فئودالی مانند
شیخ کرگت ، فرهنگ روستایی عشیره ای و فئودالی ، تسلط
خود را بر خرده مالکین منگور حفظ کرده است .
بهر حال بعد از گرفتن اسلحه توسط علی با پیر آقا از
کمیته " ملاحصی در ارومیه و تاسیس حزب قدیل توسط علی
با پیر آقا ، نیرو قدرت در منطقه بین ح . د . ک . و حزب قدسیل
(که خرده مالکین منگور را متشکل کرده بود) آغاز میشود
این نیرو قدرت بصورت های زیرین جریان پیدا میکند :

حمله به ...

توجه اینکه در شروع حمله و با تیش کشیدن کتا بغروشی ، به
" کمیته " انقلابی تلفن میکنند و موضوع را با اطلاع آنها می
رسانند و آنها درست بعد از نیم ساعت که از واقعه میگوزند ،
در محل حاضر میشوند و در صحبت با یکی از اعضای کمیته باین
مطلب اشاره میکنند که : " امشب قرار نبود آتش بزنند ! " و
یکی دیگر از آنها میگوید که : " ما گفته اند شما دالاست
کنید ! " بدنبال آن در فریضی دیگر ، عده ای مخفیانه شیشه
های کتا بغروشی " زادی " (لجا با شیدا) که داخل پاساژی
قرار دارد ، شکسته و مقدار زیادی از کتا بها را سرت می
برند . روز پنجشنبه ۵۸/۴/۱۴ کتا بغروشیها همه تعطیل میکنند
برای گرفتن ضمیمه مشترک بدور هم جمع میشوند و با صدور
نامه ای از طرف شورای کتا بغروشان " و فرستادن آن بنام
مراجع مسئول و ولایتدار ، از این امر اعتراف میکنند و قرار
میگذارند علیرغم این اقدامات از صبح شنبه بکار خود ادامه
دهند . بعد از ظهر پنجشنبه هم تظا هراتی (با شیدا) و کتا بها
خیابان راه میدان دارند و به شمارهای جذب و هتار به
نیروها اکتفا میکنند .

جامعه روحانیت بوجود می میانند ای از طریق راهی
و تلویزیون (اخبار رشب تلویزیون و فقط اخبار ۱۲ شب رادیو)
این عمل را محکوم میکنند . تعهد بازم بیشتر کتا بغروشیها
اداره دارد . مردم نیز تا حدودی افراد تحریک کننده و
شناخته اند . تعداد عناصر اصلی تظا هرتکاران و حمله
کنندگان حدود ۳ نفر بوده است .

خرم آبان

۳ ساعت ۶ روز ۵۸/۴/۱۴ طی یک سخنرانی تحریک آمیز از طرف
آقای فلسفی ، واعظ معروف ، جمعیت تحریک شده دست بیک
راهیمایشی خونگت آمیز زده و برای تمام قوم به کتا بغروشیها
شهر خرم آباد حمله میبرند و شام و کتا بغروشیها شهر را
که تازه تعمیر شده بود ، مورد هجوم قرار میدهند . حمله
کنندگان کتا بها را با خبا پناها ریخته و آتش میزنند ...

یکی از خواهان نماینده با آنها اعتراض میکنند که کات
شما شای خود را نشان دهید " که یکی از پاسداران (سید مرتضی
حسینی) به او فحاشی میکند و او را دور حیطا دنبال میکند
و دست او گرفته و بعنوان نصیحت با او هتک حرمت میکند و
با سرودای دختر روبرو میشود . تعدادی از پاسداران با در
نمایند میگویند که فرزندان ما فدا انقلابی است و ذوب آهن
و بانک ، شهرداری و ... و آتش زده است و آتش میسوزد
دیگر یکی از پاسداران اعتراف میکند که فرزندان ما در
خانه کارگر دستگیر کرده اند . در همین موقع مادرشما بنده
شوکه میشود که موجب سس شدن قسمتی از بدن او تا چند ساعت
میشود . پاسداران بعد از اینکه خانه را خراب کردند پس از
سهم زده ، خانه را ترک میکنند و گردنبدن مادرشما بنده
نیز مغفوق میشود . هنوز ۵ نفر از کارگران در بند شما شاند

کارگران تا سیماتی و ساختمانی پروژه ای
امطهان و حومه
(در ضمن بخاطر بریدن دفترها و کارتها و وسایل دفتر
ثبت نام و وسایل دیگر ، از مهر کردن آن معذوریم
میر نداریم)
رونوشت به :
کیان - اطلاعات - آینه گان - پیغام امروز - پیکار - کار